

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هشتم-شماره دوم-تابستان ۱۳۹۴-شماره پیاپی ۲۸

سبک‌شناسی پارودی در آثار طنزآمیز سید ابراهیم نبوی

(ص ۲۰۳-۱۸۱)

نیلوفر حاجی مرادخانی (نویسنده مسئول)^۱، دکتر علی محمد پشتدار^۲، دکتر مصطفی گرجی^۳، دکتر مرتضی حاجی مزدرانی^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۱۳

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۴/۰۵/۲۷

چکیده

تأثیر ادبیات متعهد انتقادی در فضای سیاسی-اجتماعی معاصر و بویژه پس از انقلاب، غیر قابل انکارست و در این تأثیرگذاری، نقش طنز، بعنوان گونه‌ای از ادبیات انتقادی، پرتنگست و "پارودی" نیز بعنوان یکی از شگردهای طنزپردازی، در این حوزه، کارکرد برجسته‌ای دارد. پژوهش حاضر پاسخ به این پرسش است که آیا میتوان "پارودی" را ویژگی سبکی طنز سید ابراهیم نبوی دانست؟ مهمترین مشخصه طنز نبوی-یکی از چهره‌های شاخص در زمینه ادبیات انتقادی پس از انقلاب- بهره‌گیری از پارودی در انواع لفظی، صوری و مضمونی آنست. وی از این تکنیک برای بیان انتقادهای سیاسی-اجتماعی و انتقال افکار خود به خواننده بهره میگیرد. نتیجه پژوهش نشان میدهد که نبوی بیشتر بر فرمها و قالبها تکیه دارد تا بر اثری مشخص از یک شاعر یا نویسنده‌ای بزرگ و همین امر، اثرش را به اثری دست دوم تبدیل میکند. دیگر اینکه افراط نبوی در استفاده از این شگرد-با وجود زبان ساده و روان، قلم توانا و بیان گیرایش آثار طنزآمیز وی را یکدست و یکنواخت کرده، گاه تا سطح هزل تنزل میدهد. نکته قابل تأمل دیگر، مهر تاریخ مصرفی که نبوی با پرداختن به موضوعات خاص بر پیشانی آثارش زده، نیز سرنوشت محتوم فراموشی را بیش از پیش برای آثار او-سوی سبک نگارش وی-رقم خواهد زد.

کلمات کلیدی: ادبیات معاصر، ادبیات انتقادی، طنز، پارودی، سید ابراهیم نبوی.

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور تهران. n.moradkhani@yahoo.com

^۲ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور.

^۳ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور.

^۴ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور.

مقدمه

این مقاله، سهم کوچکیست که نگارندگان برای ادای دین به ادبیات معاصر، مخصوصاً به ادبیات متعهد انتقادی برداشته‌اند. بی‌تردید، پیش از ورود به بحث، یادآوری نکات ذیل، ضروری خواهد بود:

۱. نگارندگان این نوشتار، بدون جانبداری به سود یا زیان هیچ جریانی، فقط به نفس و ذات علمی و پژوهشی موضوع، مقید بوده‌اند و نیز، تحلیل تاریخی و ریشه‌ای و پرداختن به عوامل مؤثر در رخدادهای مذکور، در نمونه‌های نقل شده، هدف این تحقیق نبوده است و اصلاً در حوصله این مقاله نمیگنجد.

۳. این جستار، شامل سه بخش است؛ بخش نخست، به سیری گذرا در ادبیات انتقادی فارسی پرداخته است، سپس مسئله پژوهش و ضرورت پرداختن به آن، بیان و در ادامه، تعریفی مختصر از اصطلاحات مرتبط با موضوع پژوهش، برای اشراف خواننده بر مطلب، ارائه گردیده است. بخش دوم، نگاهی گذرا به زندگی "سیدابراهیم نبوی" و ویژگیهای طنز و شیوه‌های نگارش او دارد. بخش سوم نیز، شامل بررسی و نقد و تحلیل سبکی پارودیهای سیدابراهیم نبویست که در دو دسته "پارودیهای پراکنده" و "پارودیهای مستقل" با ذکر نمونه‌ها گنجانده شده است.

بخش ۱-۱: بیان مسئله و ضرورت پژوهش

برخورد ادب رسمی با ادب غیررسمی، پیوسته سرد و تحقیر آمیز بوده است. از این نظرگاه، آفرینشهای ادبی در حوزه ادب غیر رسمی، آثاری درجه دو محسوب میشدند و به تبع آن، بسیاری از این نوع آثار، در هیچ جا ثبت نشده و از بین رفته‌اند.

طنز نیز که ریشه در باورهای مردم دارد و از زبان عامه بهره میگیرد و جزو ادب غیر رسمی محسوب میگردد، از این قاعده مستثنا نیست و مورد بیمهری ادب رسمی واقع شده و برغم ارزشها و فایده‌های گوناگون و فراوان آن مورد توجه لازم و جدی پژوهشگران قرار نگرفته است.

از مشروطه تاکنون، طنزپردازان بسیاری، در آثار خود با اغراض و مقاصد گوناگون در شگرد پارودی طبع آزمایی کرده‌اند. علی اکبر دهخدا مقالاتی از "چرند و پرند" را به این شیوه نوشته است و سبک ترجمه‌های قرآن و قالب‌نامه‌های رایج عصر خود را به تمسخر گرفته است. صادق هدایت و مسعود فرزاد، در "وغ وغ ساهاب" بشیوه اندرزگوییهای اخلاقی روزگار خود تاخته‌اند. "التفاصيل" تولی، "جوامع الحکایات" احترامی، "تذکره المقامات" زرویی نصرآباد، "دیپلمات نامه" میرشکاک نمونه‌های شاخص دیگری از پارودیند.

یکی از چهره‌های شاخص پارودی در ادبیات معاصر پس از انقلاب، "سیدابراهیم نبوی" است. او که از اواسط دهه شصت در عرصه طنز قلمفرسایی کرده، نظرگاههای انتقادی خویش را با هدف

اصلاح، در آثارش منعکس نموده است. آثار نبوی، بازتاب کاملی از اوضاع اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایران تقریباً در دو دهه است.

مطالعه پارودی در آثار نبوی، به این دلایل اهمیت دارد که دو اثر وی بطور مستقل از نوع پارودی است و نیز، او پارودیهای پراکنده خود را در انواع قالبها، ساخته است. بررسی و تحلیل انتقادی پارودیهای نبوی، میتواند نقش مهم و جایگاه والا و ناشناخته و کارکرد مهم پارودی را در قلمرو طنز سیاسی پس از انقلاب، نمایان سازد.

بخش ۱-۲: پیشینه پژوهش

پارودی ریشه‌ای کهن در فرهنگ و زبان یونان دارد. ارسطو در "فن شعر" خویش به منشاء آن اشاره داشته است. در ادبیات غرب نیز از گذشته تاکنون، پیوسته مورد بحث و موضوعی برای نظریه پردازی بوده که مختصری از آن بفارسی برگردانده شده است. در ادب فارسی، نخستین کتاب مستقل، در باب پارودی را مهدی اخوان ثالث، با عنوان "نقیضه و نقیضه سازان" نوشته است و در آثار دیگران اگر هم اشاره ای به پارودی شده، نقل قول از همین کتاب است. اما این پژوهش - بررسی و تحلیل انتقادی پارودی در آثار سید ابراهیم نبوی - در منابع مستقل و غیر مستقلی که در اختیار نگارندگان بود، پیشینه ای ندارد.

بخش ۱-۳: پارودی

واژه فرانسوی پارودی (Parodie) از واژه لاتینی (Parodia) مشتق شده است که خود برگرفته از کلمه یونانی parodia به معنی تقلید هزل‌آمیز قطعه شعریست^۱ و از اصطلاحات ادبیات نمایشی از نوع کمدیست.

پارودی به اثری گفته میشود که از شیوه‌های جدی و ویژگیهای خاص یک اثر ادبی مشخص یا سبک منحصر به فرد یک نویسنده یا ویژگیهای سبکی و دیگر عناصر یک نوع ادبی جدی تقلید میکند و با بکارگرفتن این سبک برای یک موضوع کم مایه یا مضمون خنده‌دار که هیچ‌گونه تناسبی با آن اثر جدی ندارد، اثر نخستین را خدشه دار می‌سازد^۲. بنابراین پارودی تبدیل اثر ادبی بسیار جدی به اثری دیگر است که بسیار مضحک باشد.

در زبان فارسی معادل‌های گوناگونی برای پارودی بکار رفته است. قزوینی در جلد چهارم از یادداشتهای خود "نقیضه" را بهترین برابر نهاده برای "پارودی" میدانند^۳. اخوان بین نقیضه جد و

^۱ فرهنگ توصیفی نقد ادبی، ص ۵۸۳.

^۲ فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی، ص ۳۶.

^۳ ص ۹۱۱.

غیر جد فرق می‌گذارد و پارودی را " نقیضهٔ هزل " یا غیرجد مینامد. حسن جوادی معادل " تقلید مضحک " را برای آن برمیگزیند.^۱

در زبان فارسی از این واژه با برابر نهاده‌های گوناگونی نظیر " تقلید مضحک "، " تقلید شوخی "، " نظیره سازی "، " نقیضه "، " تزریق "، " شعر مزور "، " وارونه سازی "، " مشابه سازی "، " اثر بدلی "، " تحریف "، " تبدیل " و ... نام برده میشود. از این میان، دو واژه **نظیره** و **نقیضه** معمولترند .

به هر حال، نقیضه یا پارودی، از انواع "مجاوبه" (جوابگویی) است که خود از انواع استقبال در شعر فارسی است البته از نوع غیر جد.

بخش ۱-۴: انواع پارودی

از تعاریف پارودی برمی‌آید که نوع تقلیدها از آثار جد، انواعی دارد: ۱- تقلید لفظی که فقط واژگان تغییر میکند. ۲- تقلید صوری که شیوهٔ نگارش یا سبک شاعر و نویسنده عوض میشود. ۳- تقلید درونمایه ای که محتوای اثر طنزآمیز میشود.

پارودی یک ژانر ادبی نیست بلکه تنها یکی از فنون طنزنویسی است با اغراض متفاوت هزل، هجو و طنز که میتواند برای طنزآمیز کردن هر ژانر ادبی بکار رود و موجب تطور انواع شود. پارودی یک قالب نظم مثل غزل و قصیده یا نثر مثل رمان و داستان هم نیست بلکه ممکن است ساخت هر قالب نظم و نثری را مورد تقلید قرار دهد. در واقع نقیضه همانند ساخت شکنی، ساختهای پیشین را به عاریه میگیرد و در آنها دخل و تصرف میکند و با نقض (شکستن) آنها، اثری ثانوی خلق میکند.

بخش ۲: نگاهی گذرا به زندگی و آثار سیدابراهیم نبوی

"سیدابراهیم نبوی" طنز را ابتدا در مجلهٔ سروش با صفحه ای با عنوان " اندر حکایت ... " آغاز کرد و بعد در مجلهٔ گزارش فیلم و گل آقا و ماهنامهٔ همشهری ادامه داد. از سال ۱۳۷۶ بطور خاص به طنز سیاسی روی آورد. این کار را با مجلهٔ مهر، هفته نامه‌ای که حوزهٔ هنری آن را منتشر میکرد، آغاز کرد و در ستون ثابت "هفت روز-هفت یادداشت" و " تذکرهٔ اهل فن" و گهگاه "راپورتهای یومیه" قلم میزد.

پس از آن با روزنامهٔ جامعه، طنز سیاسی را جدیتر گرفت و ستون طنز روزانه "ستون پنجم" را مینوشت، بعد از توقیف "جامعه" و انتشار "توس"، با تغییر نام "ستون پنجم" به "ستون چهارم" به نوشتن ادامه داد. پس از آن یک ماه به زندان رفت. پس از آزادی، ابتدا در روزنامه "آریا" ستون طنز روزانهٔ "یک فنجان چای داغ، در یک بعد از ظهر پاییزی" و بعد از انتشار روزنامه "نشاط"، ستون روزانهٔ "بی ستون" را مینوشت. در ادامه طنزنویسی ستونهای دیگری با عناوین " کلمه‌ها و

^۱ نقیضه و نقیضه سازان، صص ۲۹-۲۸.

^۲ تاریخ طنز در ادبیات فارسی، ص ۲۹.

ترکیبات تازه" و "از این ستون به آن ستون" (روزنامه آریا)، "چهل ستون" (عصر آزادگان) و "اقتصاد به زبان ساده" (اخبار اقتصاد) از آثار اوست.

از نبوی دو مجموعه داستان طنز به نامهای "دشمنان جامعه سالم" و "تهرانجلس" و چند کتاب طنز دیگر با اسامی "دایره المعارف ستون پنجم"، "یک فنجان چای داغ"، "راپورتهای یومیه و تذکره ها"، "در شهر خبری نیست"، "بی ستون"، "چهلستون"، "نبوی آنلاین دات کام"، "شعر طنز امروز"، "مصاحبه های صریح" و ... چاپ شده است. او در شعر طنز نیز طبع آزمایی کرده است.

وی در طنزنویسی با اسامی مستعار زیادی مانند: "الف، رهنما"، "م. الف-رهنما"، "سین. الف. نون"، "علی بونه گیر"، "ابوالهول"، "ابوجهل"، "لیلا ارجمند"، "مهربان فروزنده"، "لیلا ابراهیمی"، "رییس‌الکتاب"، "سیروس داور"، "حسین ابراهیمی"، "بالابان چالان" و "تر بز"، "ابرام" و ... قلم زده است.

آثار جدی نبوی، عبارتند از: سفرنامه حج با عنوان "سفر به خانه آزاد شده"، یادداشتهای روزانه زندان - ۷۷ با عنوان "ماه غسل پاییزی"، کاوشی در طنز ایران، گزیده رساله دلگشای عبید زاکانی، مصاحبه‌ها: "گفتگوهای صریح" و "در خشت خام".

ویژگیهای نثر و شیوه‌های نگارش نبوی

نبوی، طنزنویسی پرکار و موفق است. با زبان روز و مسایل فرهنگی، هنری، سیاسی و اجتماعی‌شناسی و در برخورد با موضوع هوشمندانه رفتار و وانمود میکند که مخاطبش طبقه متوسط جامعه است و میخواهد با عامه مردم ارتباط برقرار کند اما در حقیقت خطابش به روشنفکران جامعه است که آماج تیر انتقاد وی هستند. نثر ژورنالیستی، زبانی گیرا و تأثیرگذار و لحن گزنده و گاه تمسخرآمیز و تا اندازه زیادی مؤدبانه، از ویژگیهای عمده آثار نبوی بشمار میرود.

او در نثر به درست نویسی وفادار است و از شکسته نویسی و عامیانه نویسی میپرهیزد. وی در شیوه نگارش، تحت تأثیر کیومرث صابری است تا جاییکه میگوید: "... نوشته‌های کیومرث صابری را در روزنامه اطلاعات خواندم و احساس کردم آنها را من نوشته ام ...!"^۱

نبوی در طنز، از شیوه‌های گوناگونی مانند: فرضیه نویسی، حاشیه نویسی، طرح تناقض، نظریه-پردازی، ارائه راهکار و پیشنهاد، دیالوگ، مصاحبه و ... بهره میگیرد اما مهمترین ویژگی وی استفاده از پارودی است.

بخش ۳-۱: پارودی در آثار نبوی

^۱ یک فنجان چای داغ، ص ۹.

چنانکه پیشتر گفته شد، "پارودی"، در دوره معاصر بویژه پس از انقلاب، کارکرد اجتماعی زیادی یافته و در خدمت مقاصد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایفاء نقش کرده است. نبوی نیز بعنوان چهره‌ای شاخص در طنز، از پارودی بعنوان گونه‌ای از بیان غیرمستقیم، برای طرح انتقادات و انتقال افکار خویش بهره برده است. پارودیهای نبوی را میتوان به دو دسته تقسیم کرد: نخست، آنهایکه بطور پراکنده، در آثار طنز وی وجود دارد و دیگر، دو اثر مستقل وی، با عنوان "دایره المعارف ستون پنجم" و "راپورتهای یومیته و تذکره‌ها".

مطالعه پارودی در آثار نبوی، به این دلایل اهمیت دارد که دو اثر وی بطور مستقل از نوع پارودی است و نیز، او پارودیهای پراکنده خویش را در انواع قالبها و شیوه‌ها با انگیزه سیاسی-اجتماعی ساخته است. نبوی قصدش از این تنوع طلبی را در مقدمه "بی ستون" اینگونه بیان میکند: "طنزهایی که نه بشکل فرمی واحد و خاص، بلکه با استفاده از تنوع فرمها بتحریرآمده است. از شیوه‌هایی مانند داستان‌نویسی، فابل، شعر طنز، واژه‌شناسی، مصاحبه و گفتگو، تفسیر شعر و ترانه، صدور بیانیه، خاطره‌نویسی، سلسله آموزشها، مشابه نویسی و دهها فرم دیگر استفاده کرده‌ام تا بتوان هر روز نوعی تازه را بکار گرفت و از این تنوع برای ایجاد جذابیت بهره برد".^۱ البته زیاده‌روی وی در بکارگیری این شیوه، کارش را تکراری و در نهایت، یکنواخت میکند و گاه تا سطح هزل تنزل میدهد.

منظور نبوی از "مشابه نویسی"، همان تقلید غیرجد - پارودی - از آثار جدی است. دسته نخست پارودیهای نبوی که در چهار اثر طنز او یعنی "بی ستون، چهلستون، نبوی آنلاین دات کام و یک فنجان چای داغ" بطور پراکنده وجود دارد، بدلیل تنوع زیادی که دارند، قابل توجهند. بنابراین، پارودیهای موجود در آثار مذکور، دسته بندی میشود و در اختیار خوانندگان قرار میگردد. اما پیش از آن یادآوری میشود که در پارودی، خواننده از یکسو، براساس شناختی که از اثر نخست دارد، با شنیدن یا خواندن اثر دوم، ناخودآگاه به یاد اثر نخست میافتد و در عین حال با آشنایی‌زدایی و عدول از هنجار، روبرو میشود و این تضاد میان دو سطح معنایی مختلف، دلیل طنز و خنده میشود.

پارودیهای پراکنده نبوی

نبوی تقریباً در اکثر آثار طنزش به جز "در شهر خبری نیست" و داستانهایش، از شگرد پارودی بهره جسته است. این نوع از پارودیهای وی، به دلیل تنوعی که دارند، چشمگیر و قابل توجه و مطالعه‌اند. تقلیدهایی از نوع لفظی، صوری، مفهومی، تضمینی، مهمل‌گویی (تزییق) و ملامح (یا چند زبانی) در میان این نمونه‌ها، یافت میشود. زبان این پارودیها، غالباً مؤدبانه و تنها بر جنبه‌های طنزآمیز و مطالبه‌ای زبان و مقاصد انتقادی - سیاسی متمرکز است. برای رعایت اختصار، به ذکر

نمونه‌ای از هر نوع اکتفا میشود، هر چند کثرت نمونه‌ها، مجالی در حجم یک کتاب مستقل، میطلبد:

پارودی از حکایتها و قصه‌ها و شعرهای کودکان و عامیانه

نبوی از حکایت‌های کودکان همچون: "قصه خاله پیرزن"، "گنجشک اشی مشی"، "جیک جیک مستونت که بود ... و شعرهایی مانند: "یه دختر دارم، شاه نداره ..."، "حسنی به مکتب نمیرفت" و "حسن تنبل" پارودی ساخته است. در اینجا، نمونه‌ای از آنها با عنوان "داداشی دارم، شاه نداره" بتلخیص نقل میشود:

"داداشی دارم شاه نداره / صورتی داره ماه نداره / از خوشگلی تا نداره / به چپ نشونش نمیدم / از جا تکونش نمیدم / براه راستش نمیدم / به هر کی خواستش نمیدم / به نهضتیه‌ها نمیدم / به پاپتیه‌ها نمیدم / به کسی میدم که کس باشه / کتک خورش ملس باشه / به کسیکه اهل کار باشه وزیر و کارگزار باشه ..."^۱

پارودی از ترانه‌های عامیانه

چهار بیت زیر را به تقلید از ترانه عامیانه "شمع و چراغا رو روشن کنید/ امشب عروسی داریم" سروده است:

"شهردار ما چه نازه انشاءالله مبارکش باد / برجش چه قدر درازه انشاءالله مبارکش باد
شهردار ما فقیره انشاءالله مبارکش باد / زندان همیشه میره انشاءالله مبارکش باد"^۲

پارودی از دوبیتیها

دو نمونه زیر با عنوان "دوبیتیهای انتخاباتی" از "چهلستون" انتخاب شده است:

^۱ چهلستون، صص ۱۹۸-۱۹۶.

^۲ یک فنجان چای داغ، ص ۳۱۹.

خوشا آنکس که دلدارش تو باشی همی یار و هوادارش تو باشی
الهی روز و شب کاندید گردی باین کرسی، سزوارش تو باشی

الهی پوستر تو پاره کرده هوادار تو هم آواره کرده
مرا رده صلاحیت بگردی الهی نامزدت بیچاره کرده^۱

پارودی از قالب بخشنامه‌ها، بیانیه‌ها، ماده‌ها و تبصره‌های قانونی

مطلبی با عنوان "بیانیه اعلام استقلال" که از این نوع است، از "چهلستون" نقل میشود: "در راستای اینکه اخیراً کلیه جناحین، فراجناحی و مستقل میباشند و بر هر نیروی سیاسی - اجتماعی - فرهنگی - اقتصادی لازم است که مستقلاً پدر دیگران را استخراج نمایند، لذا این چهل ستون که سوابق سوء پیشینه فراوانی در وابستگی به جناحین و فراجناحین داشته، بدلیل اینکه سرمان در هنگام تصادف با موتور سیکلت به لب جوی آب برخورد کرده، احساس استقلال نموده‌ایم، لذا بیانیه اعلام استقلال این چهل ستون محترم بشرح زیر صادر شد:

(۱) ما نیروهایی مستقل بوده، سایر نیروها را وابسته میدانیم و مستقلاً با کلیه دیگران برخورد مینماییم.

(۲) استقلال بسیار خوبست و از زمانیکه به ما دستور داده اند که مستقل باشیم از کلیه جناحین راست مستقل، علیه کلیه جناحهای چپ مستقل حمایت مینماییم.

(۳) از نظر ما کلیه جناحهای اصلاح طلب وابسته بوده و ما نسبت به کلیه آنان اعلام استقلال مینماییم ...^۲ این مطلب با نتیجه‌گیری بیربط خاتمه مییابد.

پارودی از آگهیهای مناقصه، فروش، تبلیغات و اطلاعیه‌ها

" استثنایی، دیدنی، اکازیون " مطلبیست که برای نمونه از "چهلستون" انتخاب شده است:

" در راستای اینکه مرحله دوم انتخابات بزودی برگزار میشود و در همین راستا این احتمال وجود دارد که قرار باشد تبلیغات در اندازه‌های کوچک انجام شود و با عنایت به اینکه نقش تبلیغات در انتخاب از اهم امور محسوب میشود، پیشنهاد میکنیم از فروشندگان اتومبیل برای تبلیغات نامزدها استفاده شود.

فوری فروشی: نماینده صفر کیلومتر، کارنکرده، لباس اسپرت، شیشه دودی، فروش وکالتی، کم مصرف، دارای گارد چپ و راست، سپر جنگی ۵۵۵۵۵۵۵ - ۳۳۳۳ - ۳۳۳ - ۰۹۱۱

^۱ ص ۲۰۶

^۲ صص ۶۴-۶۳

فروش ارزان، فوری: مدل ۶۲، مدتی در منطقه جنگی بوده، بدنه خمپاره خورده، تعویض کامل اتاق، ۱۲ سال خوابیده، بدلیل داشتن دردسر سریعاً فروخته میشود. رنگ ارتشی، به تعداد موجود و یک جا فروخته میشود. در دسرهای بعدی بر عهده شماس است. ۸۸۸۸۸۸۸۸ - ۰۱۰۱ - ۰۱۰ - ۰۹۱۱ ...^۱

پارودی از گزارشهای تحلیلی

نمونه: "گزارش تحلیلی بی‌ستون، سیاست خارجی ایران در ۲۰ سال گذشته"
" * آمریکا ما را به رسمیت شناخت، ما هم آمریکا را به رسمیت شناختیم، آنان مذاکره کردند، ما هم مذاکره کردیم، وسط مذاکره معلوم شد که همه جاسوس هستیم.
* دیوار سفارت آمریکا کوتاه بود، ما از دیوار آن بالا رفتیم، از آنطرف دیوار افتادیم پایین، بالا رفتیم دموکراتها بودند، پایین آمدیم جمهوریخواهان آمدند.
* ما فهمیدیم در سفارت آمریکا عده‌ای آمریکایی زندگی میکنند و این کشف بزرگی بود.
* آمریکا را از بین بردیم، بجای آن بورکینافاسو کشف شد.
* باوجود اینکه آمریکا نابود شده بود، ولی سیاستهایش به زیان ما بود، بنابراین مشت محکمی به دهان آمریکا زدیم ...^۲

پارودی از قالب جدول

(تنها به ذکر بخشی از سؤالات جدول اکتفا شد) جدول کلمات متقاطع (۲)
" در رابطه با راستای کلمات اضافی اول جمله و با توجه به اینکه از جدول هفته گذشته بی‌ستون، هیچ استقبالی نشد، لذا مجدداً یک جدول دیگر را طراحی کرده و به چاپ میرسانیم:
افقی: ۱- کسی که به عنوان نماینده‌ی عامه مردم، داد خودش را از مخالفانش میگیرد- مرطوب. ۲- وقتی این مهر روی نامه اداری بخورد تا سالها کسی به آن توجه نمیکند - خصلت تبلیغاتی مردم مورد سوء استفاده ایران. ۳- خشونت طلب - قرار است اگر اینطور بود توانا هم بشود ولی معمولاً ناتوانتر میشود - متر نشده. ۴- برای افزایش حضور مردم در انتخابات توسط صدا و سیما بصورت موقت استفاده میشود - معمولاً بسیاری از سیاستمداران خودمان آن را از بر تشخیص نمیدهند ...
عمودی: ۱- جهت انجام امور تبلیغاتی، سیاسی راه میاندازند. ۲- بدصداترین خواننده صد سال اخیر ایران - یک سیگار، یک میدان و یکی از شعارهای انقلاب که خلیپها با آن مخالفند. ۳- شب قبل - عمل مورد علاقه یکی از شخصیت‌های مهم غرب کشور. ۴- با استفاده از آن، مسئولان اقتصادی

^۱ صص ۲۹۳-۲۹۱.

^۲ بی‌ستون، ص ۵۱.

درست در هنگامیکه در حال فقیرشدن هستیم نشان میدهند که اوضاع توپ توپ است. ۵ - یک واحد اداری که برای اختلاس بسیار مناسبست - نصف یکی از کمدینهای معاصر آلمانی ...^۱.

پارودی از سرگرمیها و بازیهای کودکانه

نبوی از سرگرمیها و بازیهای کودکانه نظیر "اسم و فامیل بازی" و "گرگم و گله میبرم ..."
پارودی ساخته است. اینک نمونه‌ای از آن را که در قالب نمایشنامه ارائه شده است با تلخیص
میخوانید:

"اِپرت" زیر جهت اجرا پیشنهاد میشود: اِپرت گرگم و گله میبرم
اجرا توسط گروه گر ایران زمین
راست: گرگم و گله میبرم / چپ: چوپون دارم نمیذارم

چپ	راست
موضع من شفافتره	کارهای من خلافتیره
رای ماها بیشتره	کارت با تیغ و نیشتره
کارهای من تمیزتره	چاقوی من تیز تره
کسی با شما نمیپره	رای ماها بیشتره ...

همسرایان: خونه ملت کدوم وره ؟ / از این وره و از اون وره ...^۲.

پارودی از رزومه‌های شغلی و کارنامه‌های تحصیلی

نمونه‌ای از پارودی از رزومه با تلخیص: "سوابق تحصیلی"

(۱) ... (۲) تحصیل در دوره دبیرستان پس از هشت سال تلاش بی وقفه. (۳) ترک تحصیل از رشته
سارکازم اینجینیرینگ دو پلیتیزاسیون از دانشگاه نایروبی، پس از سه ماه تلاش و بازگشت بوطن.
(۴) دکترای افتخاری از همان دانشگاهی که اگر در موردش چیزی بنویسیم سریعاً شکایت میکند.
(۵) فوق دکترای اتلاف انرژی انسانی از دانشگاه مرادآباد رودهن. (۶) عضو هیئت علمی همه
دانشگاههای ایران.

سوابق درخشان: (۱) ... (۲) راه رفتن در خیابان انقلاب (۳) ایثار وقت و انرژی بمدت ۱۱ روز در
هیئت‌های ۷ نفره تقسیم زمین.
(۴) حمله بگروهی از مخالفان در مقاطع مختلف. (۵) اطو نکردن لباس بمدت ۲۰ سال. (۶) خواباندن
پشت کفش بمدت ۹ سال.

^۱ همان، ص ۳۴۵.

^۲ چهلستون، صص ۲۴۳-۲۴۲.

(۷) استفاده از جوراب پاره در سالهای ۵۸ تا ۶۷. (۸) سرنگونی رژیم پهلوی. (۹) نابود کردن آمریکای جهانخوار...^۱

پارودی از تعبیر خواب

نمونه ای از آن با تلخیص: " در راستای اینکه نتیجه انتخابات قریباً معلوم میشود و با عنایت به اینکه تمامی جناحهایی که در انتخابات رأی نیاورند، جوری تبریک میگویند که انگار پیروز شده اند و با توجه به اینکه کاندیداهای عزیز، شبها بدخواب شده اند، ما در دفترمان از امروز علاوه بر پاسخ به سؤالات، تعبیر خواب هم میکنیم.

ف. معتدل از تهران: خواب دیدم که سوار بر یک ماشین شیک و پیک در حالیکه شیرینی خوشمزه به اندازه بادکنک دارم میخورم در حال رفتن در خیابان هستم. یک دفعه ماشین توقف کرد و من پیاده شدم و وارد یک کوچه بن بست شدم. بعد احساس کردم که گروهی دارند مرا دنبال میکنند. هرچه میدویدم نمیتوانستم فرار کنم. هر دری را میزدم بسته بود. با وحشت از خواب پریدم. تعبیر آن چیست؟ تعبیر خواب: شما صلاحیتتان تصویب شده ولی مطمئناً رای نمیآورید. سعی کنید شبها کمتر غذا بخورید و زیاد به نتیجه انتخابات فکر نکنید."^۲

پارودی از پرسشهای چهارگزینه ای

"آقای ... در باره استیضاح گفت: " چرا پای مسائل مذهبی را در استیضاح به میان میکشید؟" پرسشنامه چهار جوابی: ۱- برای اینکه ریا بشود. ۲- برای اینکه اگر فلانی رای نیاورد فریاد وا اسلاما سر داده شود.

۳- برای اینکه دلشان میخواهد. ۴- برای اینکه اینطور راحتتر است."^۳

پارودی از تفسیر و تحلیلهای شعری

نمونه زیر، مصداق یکی از مهمل گوییهای نبویست:

بیت: ما در پیاله عکس رخ یار دیده‌ایم آن را به سرکشیده و یار اندرون ماست
تفسیر ادبی: مادر پیاله: (MADAR PEYALE) یک نوع فحش مثل مادر فلان و ... و انواع فحشهای مربوط به دوره مادر سالاری.

عکس: (AKS) نام یک ماهنامه هنری، به تصویر (یک ماهنامه هنری دیگر) هم گفته شده.
رخ یار: (ROKHE YAR) یک نوع رخ مثل نیمرخ، تمام رخ، یک مهره شطرنج. منظور شاعر اینست که ای مرتیکه مادر فلان! ما عکس طرف را دیدیم.

^۱ همان، ص ۲۴۷.

^۲ همان، ص ۲۵۷.

^۳ یک فنجان چای داغ، صص ۲۸۷-۲۸۶.

سرکشیده: (SARKESHIDEH) به معنی قد بلند کرده، طغیان کرده، سر را با وسیله ای کشانده، به بچه هایی که با فورسپس به دنیا می‌آیند هم گفته شده.

یار: (YAR) رفیق، دوست، معشوق، بعد از قطع رابطه به او " یارو" هم می‌گویند...^۱.

پارودی از سلسه درسهای آموزشی

عنوان این نوع از پارودیهای نبوی، معمولاً به صورت "سؤال" است. نمونه زیر با عنوان "چگونه مطالبات خود را اخذ کنیم؟" که از "بی ستون" انتخاب شده، با تلخیص نقل میشود: "در رابطه با راستای اخذ مطالبات، که یکی از امور مهم محسوب شده و کلیه طالبان نیازمند انواع مطلب و مطلوب بوده و ضروری است مطالبات خود را اخذ نمایند و اخیراً در راستای اخذ مطالبات مدنی مباحث مختلف شده است، لازم میدانیم روشهای مختلف مطالبات را ذکر نماییم. ۱- روش گدایی با استفاده از عناصر احساسی - عاطفی ... ۲- روش اداری - استخدامی با استفاده از خواری طلبی ... ۳- روش خدماتی - آزاد با استفاده از فرصت طلبی ... ۴- روش خانوادگی با استفاده از آپارتمیسیم ... ۵- روش پیش - خانوادگی با استفاده از احساسات رقیق شده ...^۲. نویسنده، پس از آموزش یازده روش تشریحی برای اخذ مطالبات، با نتیجه‌گیری سخن خویش را به پایان میبرد.

پارودی از برنامه رژیمهای غذایی

نبوی در این طنز، مدعیست بین رژیم غذایی و اوضاع سیاسی کشور رابطه مستقیم وجود دارد. یک نمونه از آن با تلخیص: رژیمهای سیاسی - غذایی "در راستای اینکه رژیمهای غذایی معمولاً وضع سیاسی کشورها را هم نشان میدهد، لذا چند مدل غذایی شناخته شده به شرح زیر عرضه میشود:

مدل آمریکایی(شیرین و ترش): یک استیک بزرگ با یک بشقاب بزرگ سیب زمینی سرخ کرده و یک لیوان کولای خیلی بزرگ با یک ظرف کچاپ به مدت ده دقیقه و با سرعت خورده میشود؛ محل مصرف: رستوران، در حال بلند شدن و نشستن و گوش دادن به موسیقی؛ وضع سیاسی: دموکراسی و امپریالیسم.

مدل عربی(شیرین): یک دیس بزرگ برنج با پسته و بادام و آلبالو و قیسی، با گوشت گوساله یا مرغ بریان زعفرانی، همراه با آبمیوه شیرین، با مقدار زیادی شیرینی بعد از غذا، ناهار از ساعت ۱۲ ظهر تا ۲ بعد از ظهر در حال تکیه به مُخَدّه و قبل و بعد از خواب مصرف میشود؛ محل مصرف: خانه، ... ؛ وضع سیاسی: استبداد داخلی و دموکراسی خارجی ...^۳.

^۱ همان، صص ۲۱-۲۰.

^۲ صص ۳۶۵-۳۶۳.

^۳ همان، صص ۳۱۷-۳۱۵.

پارودی از رساله‌های فلسفی

نمونه‌ای از آن با تلخیص: سه رساله فلسفی در باره حرف حساب و خشونت " رساله اول: در فضیلت حرف حساب: فیدروس جوان: دانی که حرف حساب چیست؟ آرتیموس پیر: آری فیدروس جوان! من، آرتیموس آتنی هزاران بار در شصت سال زندگی خود حرف حساب شنیده‌ام. آرتیموس پیر: تو فریب جوانی را می‌خوری و دستهای مهندسان را در قلمرو عقل آنان بشمار می‌آوری. حساب از علوم کلی و در قلمرو جزئیاتست. فیدروس جوان: آیا آنکه فیلسوفان بدیهی دانند از جمله بزرگی بزرگ نسبت به کوچک و اینکه حاصل ضرب دو در خودش چهار شود، از زمره حرف حساب بشمار آید؟ آرتیموس پیر: نه فرزند، راه به بیراهه برده‌ای. بزرگ بودن مردی که صلاحیت دارد، قابل انکارست. حاصل ضرب دو در دو نیز همواره چهار نیست. بلکه آنست که فیلسوف می‌گوید ...

رساله دوم: در فضیلت گوش: شناخت عضو: گوش اندامیست که معمولاً بصورت دو تایی یا کمتر یا بیشتر در اکثر افراد وجود دارد، معمولاً از این اندام جهت استماع نظرات، سخنرانیها، نطق پیش از دستور و نطق همزمان با دستور تبلیغاتی تلویزیونی استفاده میشود.

آسیب‌شناسی گوش: گاهی وقتها گوش بدلیل مختلف مسدود میشود: ۱- استعمال بوقهای تبلیغاتی بصورت مکرر. ۲- تکرار یک موضوع بصورت دائمی، هفتگی، نهادینه و گوشخراش. ۳- ... ۴- نبودن توضیح قانع کننده در مورد سؤالات موجود. ...

رساله سوم: نحوه استعمال حرف حساب در گوش: در مورد کسانی که حرف حساب به گوششان فرونمی‌رود استفاده از روشهای خشونت آمیز ضروریست. برخی از روشها به شرح زیرست: ۱- روش ایستاده: در این روش ابتدا شنونده را با خشم نگاه میکنیم، سپس به او حرف حساب را دستور میدهیم و پس از آن محکم با دست راست به گوش او میکوبیم تا حرف حساب محکم به گوش او برود. ۲- روش خمیده (دماغی): در این روش ابتدا شنونده را با مهربانی و عطوفت که در بعضی موارد لازمست - نگاه میکنیم سپس بصورت شمرده با او حرف حساب میزنیم و در پایان با زانو به شکم او میکوبیم. در این وضع شنونده خم شده و برای فرورفتن حرف حساب با زانوی راست محکم به بینی او میکوبیم. به روش خمیده، روش دماغی هم میگویند ...!

پارودی از کتب عربی و ترجمه آنها

متن عربی زیر که آمیخته به فارسیست از نوع ملمع (چند زبانی) است و ترجمه آن، که تناسب چندانی با متن عربی ندارد از نوع مهممل‌گویی (تزریق) است (با تلخیص): " الطرق الممكنه الی انتخاب رییس بلدیة طهران المقدمه:" در الراستای انتخاب رییس بلدیة طهران که گویا فی الحال از اهم قضایای مملکت محسوب شده و قریب ده - پانزده یوم و لیل است که انتخاب رییس بلدیة

بعید بنظر میرسد و با عنایت به الاختلاف و الائتلاف و الانتصاب و الانتخاب در شورای شهر طهران که ممکن به عدم تعیین شهردار و لاجرم ادامه کار الکرباسچی المحبوس بینجامد لذا ما از میان متون قدیمه طریق انتخاب شهردار طهران را از کتاب "الطرق القدیم الی تعیین الرییس البلاد" به کتابت "ابن ابی العوجای اسفراینی اصفهانی" کشف و بعنوان رهنمود استراتژیک عرضه می‌گردد. لماذا انتخب رییس بلدیة: الواجب الانتخاب الرییس لموقع الحبس الکرباسچی فی محبس بی کاز ایزناات نو بادی فی عمارت البلدیة و لازم السوژه فی مورد القضا و یحکم فی محکمه و الاختلاس و السائر الموارد. و قال الشهرستانی فی طرق البلاد: یا رییس! به روح امک لابنا البرج و العماره و الشوارع و الفرهنگسرا و السائر الموارد، الاصلاً به تو چه که این اعمال را یتفعل؟ ترجمه: برای چه شهردار انتخاب می‌کنیم؟ در راستای انتخاب شهردار لازم به یادآوریست که وقتی یک شهردار مثلاً در این فارس بدلیل ابتلا به مواردی مانند ساخت چاهها و راهها به زندان می‌افتد، اینطور نیست که شهردار ضرورت نداشته باشد بنابراین برای ایجاد فضای مناسب ایجاد عدالت و رسیدگی به جرایم مالی انتخاب شهردار لازمست، چنانکه این خلدون گفته است: وجود شهردار باعث ایجاد فضای عصبیت در میان نیروهای بدوی و در نتیجه دفاع از حیثیت شده و لازمست که به شهردار گفته شود، تو برکنار شده‌ای، حق حرف زدن نداری! ...!".^۱

پارودی از فرهنگهای لغت

نبوی بجز اثر مستقل "دایره المعارف ستون پنجم"، پارودیهایی از واژگان و حتی جمله‌ها، به تقلید از فرهنگهای لغت دارد که در دیگر آثارش پراکنده است. اینک، چند نمونه از آنها: "فرهنگ معاصر" عنوان مطلبی از "نبوی آنلاین دات کام" است که در آن برای بعضی از جمله‌ها، معانی جدیدی ثبت شده است: من با دوچرخه به شهرداری آمدم: من حاضر نیستم استعفا بدهم. / رفته بودم مشهد: دستگیر شده بودم و داشتم بازجویی پس میدادم. / آدم خیری است: صادرات میوه و خشکبار و واردات کالا میکند. / در گفتگو با مأموران حقیقت را فهمید: مدتی در زندان انفرادی بود...^۲

در جایی دیگر از همان کتاب، به ارائه معانی جدید برای برخی از تابلوهای راهنمایی و رانندگی پرداخته است:

جاده در دست سازندگیست: به پرتگاه نزدیک میشوید. / به پلیس راهنمایی نزدیک میشوید: احتمال خطر تصادف.

^۱ همان، صص ۱۵۵-۱۵۲.

^۲ صص ۲۹۲.

بخط قرمز نزدیک می‌شوید: سریعاً دور شوید.../ کارگران مشغول کارند: احتمالاً بی‌کار خواهند شد...^۱. به تقلید از برنامه تبلیغی صدا و سیما با عنوان "فارسی را پاس بداریم" برای بعضی از اصطلاحات فرنگی، این معانی را پیشنهاد می‌کند: نگوییم "وب سایت": بگوییم "رایانه جا" یا "تارانه"; نگوییم "وب": بگوییم "جایانه" یا "تار"; نگوییم "وب مستر": بگوییم "صاحب تار" یا "تارزن"; نگوییم "ای میل": بگوییم "نامه برقی"; نگوییم "چت": بگوییم "زر"; نگوییم "چت روم" بگوییم "زِرستان" و...^۲.

پارودی به سبک صادق هدایت در "وغ وغ ساهاب" در تعریض به مدعیان طنزنویسی
دیشب خواندیم یک رونامه در خیابان/ که اسمش را گذاشته اند "عصر آزادگان" / در انتهای روزنامه رؤیت فرمودیم که وغ وغ ساهاب/ که نخواندنش کاریست بس صواب/ اولندش بهره‌چیه قاضیه گفته بود زکی/ و لرزانده بود تن شعرا را در قبر یکی یکی دوّمندش هر چی سوژه بود پرتاب کرده بود در شعر با بیل / دست ما کوتاه و خرما بر نخیل/ با خودمان گفتیم مگر در این مملکت شاعر نداریم /؟ چرا در این وضع باید طنز این جوّری بنگاریم /؟ آقای عزیز، طنز حساب و کتاب دارد/ اسم هر چیز را که نباید طنز گذاشت/ البته دارد و گذاشت نیستند هم قافیه/ تا همین جا وغ وغ ساهاب ما کافیه ...^۳.

پارودی از امثال و حکم

"بی‌حیا باش تا کامروا شوی" که تقلیدی طنزآمیز از ترکیب دو ضرب‌المثل معروف: "با خدا باش پادشاهی کن" و "سخرخیز باش تا کامروا شوی" است؛^۴ از دیگر نمونه‌ها: مزد آن گرفت جان برادر که شانس آورد؛^۵ کار فرهنگی کردن از پرکردنست؛^۶ گریه بر هر گاز اشک آور دواست؛^۷ سیلی نقد به از حلّوای کرباسچی؛^۸ "مرغ آن گرفت جان برادر که رای داد" به تقلید از ضرب‌المثل: "مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد"^۹.

پارودی از شعر نو

^۱ ص ۱۱.

^۲ همان، صص ۶۰-۵۸.

^۳ یک فنجان چای داغ، صص ۸۳-۸۲.

^۴ بی‌ستون، ص ۳۰۸.

^۵ همان، ص ۱۹۲.

^۶ همان، ص ۱۸۸.

^۷ همان؛ ص ۲۵۵.

^۸ یک فنجان چای داغ، ص ۳۱۱.

^۹ همان، ص ۱۹۹.

نبوی گاهی از روی تفنّن و با هدف تفریح و دست انداختن دوستان و گاه برای خالی نبودن عریضه، "مرتکب شعر طنز" شده است. از قضا بعضی از شعرهای طنزآلودش، پارودی از شعر نو از آب درآمده است آن هم از نوع مَلَمَع: نمونه زیر، شعری از نبوی با عنوان "ترکی - فارسی" و پارودی از شعر "زمستان" اخوان ثالث است: هوا "چوخ" ناجوانمردانه سرد است، آی ... / "منیم دیل دان" / که یعنی از دل من / (فارس گویند!) / برآید ناله‌ای پرسوز / از این سرمای وحشتناک مثل "بوز" / یعنی یخ! / بروی شانهام صاندوخهای پارتاخال مانده است / و یک مأمور شهردار / - که یعنی شهرداریلار - / همین امروز / ز سوی دکه تا منزل مرا رانده است / و من افسوس، گمگینم ...! (شعر، ۱۳۷۹: ۱۳۷)

بخش ۳ - ۳: پارودیهای مستقل نبوی

آنگونه که از مطالعه آثار نبوی برمیآید، دو پارودی مستقل وی، "دایرة المعارف ستون پنجم" و "راپورتهای یومیّه و تذکره ها" بدلیل یکدستی در سبک و نوع نگارش و استقلال فرم و شیوه ارائه، از اهمیّت بیشتری برخوردارند.

"دایرة المعارف ستون پنجم"، در حقیقت، پارودی دایرة المعارف و لغتنامه فارسی‌نویسی است. اینکار در تاریخ ادبیات ایران و جهان پیشینه دارد. میتوان از عبید زاکانی بعنوان "پرچمدار پارودی از لغتنامه" نام برد. عبید (قرن ۸) در رساله "تعریفات" یا "ده فصل" خود که نقیضه‌ای از فرهنگهای لغت است، مشاغل اداری، علمی، اصطلاحات اهل دیوان و جز آن را دسته‌بندی و بزبانی هزل‌آمیز معنا کرده است: الفکر: آنچه مردم را بیفایده بیمار کند. / دانشمند: آنکه عقل معاش ندارد / الجاهل: دولتیار / دارالتعطیل: مدرسه و ...

نظام الدین قاری (قرن ۹)، پارودی سرای دیگری است که در "دیوان البسه"، فصلی به تقلید از رساله "تعریفات" (ده فصل) عبید نوشته است با این تفاوت که با در نظر گرفتن حرفه لباس دوزی که "وصل" پارچه‌هاست نه "فصل" آنها، رساله خود را "ده وصل" نام نهاده است. نمونه‌ای از آن: اصطلاحات شعر: المطلع: گریبان / المقطع: دامن / الترصیع: زر و زیور / التجیس: هر دو آستین / الاستعاره: جامه عاریت و ... (دانش پژوه، ۱۳۸۱: ۲۶۰).

ولتر فرانسوی، در قرن هجدهم، در "فرهنگ فلسفی" خود - که شباهت به رساله "تعریفات" عبید نیست - در باب کلیسا بطور طعنه و تمسخر به تعریف واژگان پرداخته است (جمال زاده، ۱۳۴۲: ۱۳۹-۱۳۸).

^۱ اصطلاحیست که نبوی، خود، برای این منظور بکار برده است. ر.ک. شعر طنز امروز ایران، ص ۱۳۳.

آمبروز بی‌پرس، نویسنده آمریکایی، در اوایل قرن بیستم، کتابی به‌مین شیوه تألیف کرده است که در زبان فارسی با عناوین "فرهنگ شیطان"، "دایره المعارف شیطان" یا "فرهنگ جهنمی" شناخته می‌شود و در سالهای اخیر نشر فرهنگ معاصر آن را چاپ کرده است.

واژه‌های مورد قبول و احترام جوامع، همانند سپر یا صورتکی هستند که دیکتاتورها، استثمارگران، سیاستمداران و جانبداران هر اندیشه‌ای خود را در پس آنها پنهان میکنند تا با استفاده از بار عاطفی واژگان به نیاز خود یعنی جلب عاطفه سیاسی جمع دست یابند. واژگان کلیشه‌ای، در دنیای سیاست، در اثر تکرار، قدرتی ویرانگر می‌یابند، قدرتی که در پس آن، ایدئولوژی سیاسی جریانهای فکری نهفته است اما در نهایت صورتی مندرس و مسخره از آنها برجا میماند. در حقیقت این واژه‌ها به ابزار کنترل فرهنگی بدل میشوند. مقصود طنزپردازان از بازی با واژه‌ها، عریان ساختن واژه‌های فریبکار و آشکار کردن مقاصد پنهان در آنهاست.

باری، نبوی در "دایرة المعارف ستون پنجم" به شیوه عبید به ارزیابی واژگان و بازی با کلمات پرداخته و معانی مورد نظر خود را در پیرامون هر واژه بزبان طنز، بیان نموده است. نکته مشترک همه واژگان در این اثر، تعبیر و تفسیر مفاهیم سیاسی-اجتماعی روز جامعه است که نویسنده، دیدگاه خود را در قالب فرهنگنامه نویسی ارائه میدهد.

تفاوت کار نبوی با عبید در اینست که رساله تعریفات عبید، تاریخ مصرف ندارد و واژگان او در همه ادوار، کاربرد مشترکی دارند و البته نوع نگاه و تعبیر عبید از معنای این واژگان میتواند حتی تا روزگاران دور پس از ما نیز تعمیم یابد. حال آنکه نبوی در دایره المعارف خود، به جریانات اجتماعی-سیاسی روز نظر داشته و همه توجهش در انتخاب واژگان نیز بیشتر سیاسی است.

متأسفانه، توجه بیش از حد او به مسایل روز، همچون غالب آثار نبوی، از ارزش کار او بشدت میکاهد و درج‌زدن در زمان و مکان و شرایط خاص، مانع از ماندگاری این دسته از آثار وی میگردد. موضع گیریه‌ها و جانبداریهای سیاسی نبوی در این آثار کاملاً نمایان است و این امر باعث میشود نبوی شرط بیطرفی و تعادل را که شرط لازم برای طنز فاخر و ماندگارست، نادیده بگیرد و در نتیجه طنزش تا حدی تند و پرخاشگرانه شود.

اگر نبوی بجای واژگان معدود و مفاهیم محدود، افق دید خود را نسبت به مسایل و معضلات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، گسترده‌تر میساخت و از بُعد زمان و مکان خارج میشد، بیشک دایرة المعارف او در ردیف ارزشمندترین و ماندگارترین طنزهای روزگار ما قرار میگرفت. نمونه‌های زیر از این کتاب انتخاب شده است:

آبادی: (ABADI) : جای آباد. محلی که از آن به شهر می‌ایند و نماینده میشوند.

دانشمند: (DANESHMAND) : عینکی. ریش پروفیسوری دارد. یواش یواش راه میرود، مورد احترام قرار میگیرد ولی اجازه حرف زدن ندارد. در هنگام تبلیغات به او استناد میشود. مشکلات مالی دیگران را حل میکند ولی خودش مشکل مالی دارد. در صورت بیسواد بودن مسئولان سیاسی آمریکایی میشود و در صورت باسواد بودن آنها با ابن سینا مقایسه میگردد....

فراموشکار (FARAMOOSH KAR) : خصوصیت فردی که انتخاب شده، شش ماه پس از انتخابات.

فکر (FEKR) : چیزی که بعضی آدمها در بعضی جاها استفاده میکنند و در نتیجه باعث میشود ما با مشت محکم و فریاد غرأ و سلاح آتشین پیروز شویم.

لندهور (LANDHOOR) : انگلیسی : سرزمین حوریها. نام پادشاهی در هند که بسیار درشت قامت و بلند قد بوده است. شرط گزینش نیروها برای فعالیت در گروه فشار.

"راپورتهای یومیه" و تذکرها، شامل دو بخش است. بخش اول آن "راپورتهای" است که با همان آشفتگی زبانی برخی از نویسندگان دوران مشروطه با تلفیق فارسی، عربی و فرانسه نوشته شده است.^۱

نبوی که در اثر مطالعه آثار مشروطه تحت تأثیر نثر آن دوران قرار گرفته بود، وسوسه نوشتن با سبک نثر قاجار را با خلق این اثر پاسخ گفت. این کتاب، مجموع راپورتهاییست که او در نشریات مختلف در مورد سینما، بوروکراسی اداری و موضوعات روز نوشته است. اولین راپورت او در اولین شماره "گزارش فیلم" چاپ شد و بعدها در روزنامه همشهری، نشریات روزانه جشنواره فیلم فجر، جشنواره فیلم کودکان، جشنواره فیلمهای علمی و آموزشی اصفهان و هفته نامه مهر، ادامه یافت.

این پارودی که به سبک و سیاق راپورت نویسی عصر قاجار نگاشته شده و زبان و طرز بیان بشدت کهنه و نخ نمای آن، یادآور عهد عتیق است، علاوه بر اینکه معنا را برای خواننده دیرپاب میسازد، زمینه ملال خاطر و خستگی و دلزدگی او را از این طریق فراهم میآورد.

بخش دوم این اثر، تذکره اهل فن نام دارد که نقیضه‌ای بر "تذکره الاولیاء" عطارست. کار او در حقیقت ادامه "تذکره المقامات" ابوالفضل زرویی نصرآباد است که در هفته نامه گل آقا نوشته میشد و نبوی آن را با عنوان "تذکره اهل فن" در مجله "مهر" و نشریه روزانه جشنواره فیلم فجر پی گرفت. طرز بیان وی در این تذکره، شیرین و نافذ است ولی تسلط زرویی بر ادبیات کلاسیک را ندارد و اثر وی غنای ادبی "تذکره المقامات" زرویی را دارا نیست. با اینهمه، هوشمندی نبوی در برخورد با موضوع و آشنایی او با زبان روز و مسایل فرهنگی، هنری و سیاسی جامعه و ذوق بکار رفته در آن، این تذکره، را خواندنی کرده است.

^۱ بدلیل طولانی شدن مقاله، از ذکر نمونه از این اثر اجتناب گردید.

موضوع تذکره "اهل فن" به چهره‌های سیاسی، ادبی و سینمایی عصر نویسنده اختصاص دارد. این تذکره گذشته از طرز بیان خود، محتوای چندان ارزشمند و قابل تأمل و نسبت به دیگر کارهای طنز نبوی، برتری ندارد. آوردن سجعهای نابجا و بعضی حکایت‌های من درآوردی و دور از واقعیت، مجموعه را در حد مطایبه و شوخی با شخصیت‌های مورد نظر، کم ارزش ساخته و آنطور که شایسته است بذکر واقعیات امور و بیان احوالات ایشان نپرداخته و تکرار مکررات است. اگر بگوییم که این اثر نیز بواسطه رنگ و لعاب سیاسی، آن هم از نوع سیاست روز، تاریخ مصرف دارد و ناگزیر، به مرور زمان، از ارزش و اعتبار آن کاسته خواهد شد، بیراه نیست. اگرچه نبوی برای خلق این اثر، در جشنواره مطبوعات در سال ۱۳۷۷، بعنوان طنزپرداز برگزیده، برنده جایزه شد.

محاسن و معایب طنزنویسی نبوی

نبوی در "راپورتهای یومیّه و تذکره‌ها" با تقلید از سبک و سیاق نثرهای ادوار گذشته، به نقد موضوعات اجتماعی - سیاسی زمان خود پرداخته است. عیب تقلید از نثر گذشته در اینست که این سبک نگارش، برای خواننده عادی و حتی گاه خاص، سنگین و دشوار و از نظر مفهوم، دیریاب و نامأنوسست و اگر مخاطب با سیاق نوشتاری نثر اداری در دوران گذشته، بخصوص نثر دوره قاجار، آشنایی هم نداشته باشد، برای او خواندن چنین نوشته‌ای خسته کننده خواهد بود. دیگر آنکه، بازنویسی سیاق نوشتاری کهنه که از رونق و رواج افتاده است اگر با دقت و مهارت انجام نگیرد، از جذابیت و قابلیت آن در میان خوانندگان میکاهد. در حالیکه، از ویژگیهای بارز و غیر قابل انکار طنز فاخر و ماندگار، سادگی و سلاست واژگان آنست.

وی بخصوص، در راپورتهای یومیّه آنقدر به لفاظی و واژه‌پردازی و آوردن سجعهای نازیبا و غیر ضروری پرداخته که از اصل محتوا بکلی دور مانده است. از همین رو، اثر وی نه تنها از جنبه ادبی بلکه از نظرگاه محتوایی نیز فاقد ارزشهای لازمست و از تقلید کم مایه و عباراتی اغلب سست و محتوایی هزل آمیز فراتر نمیرود.

علاوه بر موارد یاد شده آنچه آثار نبوی را از نثر فاخر طنزآمیز در حد نثرهای روزنامه‌ای تنزل میدهد، یکدست نبودن آنها از نظر قالب، زبان و نیز پرگویی و پراکندگوییست. نبوی بدلیل مشغله اصلیش - روزنامه نگاری - ناگزیرست زیاد بنویسد و زیاد نوشتن مجال کمتری برای اندیشیدن باقی میگذارد و برای پرکردن هر روزه ستون یک روزنامه، مجبورست عبارتها را طولانی و کشدار ادا نماید و به سلیقه عوام روزنامه‌خوان توجه داشته باشد اما یک طنز فاخر و ارزشمند، پرگویی و اطناب را برنمیتابد. در عین حال وارد کردن واژگان سست و سخیف و معانی سیاسی و نه چندان مجادله گرایانه کلام نبوی را تا حد هزلی کم مایه و ضعیف پایین میآورد. بیقین، اگر نبوی دغدغه هر روزه - نویسی و روزنامه‌نگاری را نداشت و پرگویی و پراکنده‌گویی را کنار میگذاشت میتوانست در آرامش

فکری و با استفاده از زمان کافی، طنزهای ارزشمند و ماندگاری از خود برجای گذارد. قدرت کم- نظیر و غیرقابل‌انکار نبوی در طنز را نمیتوان نادیده گرفت و اتفاقاً باید اعتراف کرد که او یکی از توانمندترین نویسندگان طنز در عرصه ادبیات امروزیست.

عیب دیگر آثار نبوی، تک بُعدی بودن و توجه کامل او به سیاست روز است. وی طنز خود را به روز مینویسد بنابراین طنزش بر مبنای جریان‌های سیاسی، حرکتها و تحولات جامعه شکل میگیرد. در یک کلام، اکثر نوشته‌های نبوی مَهرِ تاریخ مصرف به پیشانی دارند و این در جا زدن در قالب، زبان، زمان، موضوع خاص و جهت‌گیریهای سیاسی، نمیتواند ماندگاری آثارش را تضمین کند. اگرچه در دروه خود بسیار تأثیرگذار و گاه ارزشمندند اما در طول زمان، خوانندگان، چندان علاقه‌ای به خواندن روزنامه‌های باطله یا موضوعات تاریخ مصرف‌دار، نشان نخواهند داد. متأسفانه، سرنوشت محتوم همگی آثار طنز وی آنست که پس از گذشت یک دوره زمانی، ارزش و اعتبار خود را از دست بدهند. چنانکه اکنون نیز پس از یک دهه که از نگارش برخی از آن کتب میگذرد، خیلی از مطالب آنها از موضوعیت افتاده‌اند و تنها ارزشی که میتوانند داشت، بجهت ساختار جامعه‌شناسی، اقتصادی، تاریخی و سیاسی خود در یک دوران خاص میتوانند مورد مطالعه و ارزیابی کارشناسان و تحلیلگران دوره بعد قرار گیرند.

نتیجه پژوهش

دوره مشروطه به بعد، عصر شکوفایی طنز در ادب فارسی است. قلمرو طنز اعلای سیاسی، اجتماعی و ... نقش آن در ادبیات متعهد معاصر و بویژه پس از انقلاب، گسترده‌تر و بیشتر شد. "کیومرث صابری فومنی" نخستین طنزپرداز سیاسی ایرانیست که با "گل آقا" به ارائه الگویی از طنز، برای برخورد با مسایل جدی و مهم و عمومی جامعه، بدون تخطی از ارزشها و حدود پرداخت و ظرفیت انتقادپذیری بویژه مسئولان جامعه را بالا برد. طنز از این زمان، یک مقوله جدی در حیات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه شد که در کنار طنزهای مطایبه آمیز، طنز اعلای انتقادی، درونمایه خود را از مسایل و موضوعات سیاسی، اجتماعی و ... روز می‌گرفت و نسبت به گذشته واقع‌گراتر و نکته‌سنج‌تر بود.

زبان طنز در این دوره، ساده و نزدیک به زبان محاوره بود. یکی از رایجترین شگردهای طنزپردازان این دوره، نظیره‌گویی یا نقیضه یا همان پارودی است که تقلیدی غیر جد از آثار جدیست. زبان این نوع اخیر، بستگی به نوع تقلید طنزآمیز دارد که نتیجه آن به عدول از نُرم و هنجار عادی و طبیعی زبان منجر میگردد. نبوی یکی از شاخصترین طنزپردازان پس از انقلاب، در عرصه طنز سیاسیست که با بهره‌گیری از بیان طنز و قدرت کم نظیرش در نویسندگی، توانست نام خود را در جرگه طنزنویسان معاصر به ثبت برساند. آثار نبوی، بازتاب کاملی از مسایل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و

اقتصادی روز جامعه ایرانست. هر خبر روز، سوژه ای برای طنز اوست. او در نثر به درست نویسی وفادار است و از شکسته نویسی و عامیانه نویسی میپرهیزد. وی در شیوه نگارش، تحت تأثیر کیومرث صابریست. هدف نبوی از پارودیهای گوناگون، ایجاد تنوع و بالابردن جذابیت نوشته‌هایش بوده است. دو اثر وی بطور مستقل از نوع پارودی است و نیز، در دیگر آثار طنز خود پارودیهای پراکنده را در انواع قالبها، با انگیزه سیاسی_اجتماعی ساخته است. افراط نبوی در استفاده از این شگرد - با وجود زبان ساده و روان، قلم توانا و بیان گیرایش آثار طنزآمیز وی را یکدست و یکنواخت کرده، گاه تا سطح هزل تنزل میدهد. نکته قابل تأمل دیگر، اینست که نبوی بیشتر بر فرمها و قالبها تکیه دارد تا بر اثر مشخصی از یک شاعر یا نویسنده بزرگ و همین امر، اثرش را به اثری دست دوم تبدیل میکند. مهر تاریخ مصرفی که با پرداختن به موضوعات خاص بر پیشانی آثارش زده، نیز سرنوشت محتوم فراموشی را بیش از پیش برای آثار او رقم خواهد زد.

کتابنامه

۱. ارسطو و فن شعر، عبدالحسین زرین کوب، چ پنجم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۵.
۲. از صبا تا نیما، یحیی آرین پور، ج ۲، چ نهم، تهران، زوار، ۱۳۷۸.
۳. انواع ادبی، سیروس شمیسا، چ سوم، تهران، میترا، ۱۳۸۷.
۴. آشنایی با نقد ادبی، عبدالحسین زرین کوب، چ هفتم، تهران، سخن، ۱۳۸۳.
۵. بی ستون، سید ابراهیم نبوی، چ ۳، تهران، روزنه، ۱۳۷۸.
۶. بیست سال با طنز، رؤیا صدر، چ اول، تهران، هرمس، ۱۳۸۱.
۷. پاتنوری، عباس خوش عمل، با مقدمه جلال رفیع، چ اول، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۳.
۸. پژوهشی در ادبیات غیرجد، سید احمد حسینی کازرونی، چ اول، تهران، ارمغان، ۱۳۸۸.
۹. تاریخ طنز در ادبیات فارسی، حسن جوادی، چ اول، تهران، کاروان، ۱۳۸۴.
۱۰. تفنن ادبی در شعر فارسی، منوچهر دانش پژوه، چ اول، تهران، طهوری، ۱۳۸۱.
۱۱. چهلستون، سید ابراهیم نبوی، چ ۲، تهران، جامعه ایرانیان، ۱۳۷۹.
۱۲. دانشنامه ادب فارسی، حسن انوشه، چ اول، تهران، دانشنامه، ۱۳۷۵.
۱۳. دایره المعارف ستون پنجم، سید ابراهیم نبوی، چ ۲، تهران، جامعه ایرانیان، ۱۳۷۹.
۱۴. دایره المعارف فارسی، غلامحسین مصاحب، دوره دوجلدی، بی چا، نیویورک، مؤسسه انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۵.
۱۵. در باره طنز، ابوالفضل حری، چ اول، تهران، سوره ی مهر، ۱۳۸۷.
۱۶. در شهر خبری نیست، سید ابراهیم نبوی، چ ۱، تهران، نشر و پژوهش دادار، ۱۳۸۳.
۱۷. دیوان بسحق اطعمه شیرازی، بی چا، کتاب فروشی معرفت شیراز، بی تا.

۱۸. راپورت‌های یومیه و تذکره ها، سیدابراهیم نبوی، چ ۴، تهران، روزنه، ۱۳۷۸ .
 ۱۹. شعر بی دروغ شعر بی نقاب، بی چا، تهران، علمی، ۱۳۴۶ .
 ۲۰. شعر طنز امروز ایران، سیدابراهیم نبوی، چ ۱، تهران، نی، ۱۳۷۹ .
 ۲۱. شعر و ادب فارسی، زین العابدین مؤتمن، چ دوم، تهران، زرین، ۱۳۶۴ .
 ۲۲. طنز و خوش طبعی در ایران و جهان اسلام، علی اصغر، حلبی، چ اول، تهران، بهبهنا نی، ۱۳۷۷ .
 ۲۳. طنز و طنز پردازی در ایران، حسین بهزادی اندوهجودی، چ اول، تهران، صدوق، ۱۳۷۸ .
 ۲۴. طنزسرایان ایران از مشروطه تا انقلاب، مرتضی فرجیان و محمدباقر نجف زاده بار فروش، چ اول، تهران، بنیاد، ۱۳۷۰ .
 ۲۵. فرهنگ اصطلاحات ادبی، سیما داد، چ سوم، تهران، مروارید، ۱۳۸۵ .
 ۲۶. فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی، اچ. ام. ایبرمز، مترجم: سعید سبزیان مرادآبادی، چ اول، تهران، رهنما، ۱۳۸۴ .
 ۲۷. فرهنگ توصیفی نقد ادبی (فرانسه - فارسی)، ژاله کهنمویی پور و دیگران، چ اول، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱ .
 ۲۸. فرهنگ شیطان، آمبروز بی یرس، ترجمه رضی هیرمندی، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۶ .
 ۲۹. کاوشی در طنز ایران، ج ۱، سیدابراهیم نبوی، چ ۳، تهران، جامعه ایرانیان، ۱۳۷۸ .
 ۳۰. کاوشی در طنز ایران، ج ۲، سیدابراهیم نبوی، چ ۱، تهران، جامعه ایرانیان، فروردین ۱۳۸۰ .
 ۳۱. کلیات عبید زاکانی، به اهتمام محمدجعفر محجوب، بی چا، نیویورک، Bibliotheca Persia Press، ۱۹۹۹ .
 ۳۲. لغتنامه، علی اکبر دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ .
 ۳۳. مدح داغ ننگ بر سیمای ادب فارسی، نادر وزین پور، چ ۱، تهران، معین، ۱۳۷۴ .
 ۳۴. نبوی آنلاین دات کام، سیدابراهیم نبوی، چ ۱، تهران، روزنه، ۱۳۸۱ .
 ۳۵. نقضیه و نقیضه سازان، مهدی اخوان ثالث، چ اول، تهران، زمستان، ۱۳۷۴ .
 ۳۶. واژگان و اصطلاحات طنز، محمد رضا اصلانی، چ اول، تهران، کاروان، ۱۳۸۵ .
 ۳۷. واژه نامه هنر شاعری، میمنت میرصادقی، چ اول، تهران، مهناز، ۱۳۷۳ .
 ۳۸. هجو در شعر فارسی، ناصر نیکوبخت، چ اول، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰ .
 ۳۹. یادداشت های قزوینی، محمد قزوینی، ج ۳ و ۴، به کوشش ایرج افشار، چ چهارم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۸ .
 ۴۰. یک فنجان چای داغ، سیدابراهیم نبوی، چ ۳، تهران، روزنه، ۱۳۷۹ .
- فهرست مقالات :

۱. تحلیل ساختار و کاربرد پارودیهای دیوان البسة نظام قاری، نصراله زیرک، فصلنامه تخصصی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، ش ۲۹، بهار ۱۳۹۰، صص ۱۵۷-۱۴۰.
۲. تعریف پارودی در دوران پسامدرن، صدریان، محمدرضا، (اینترنت، سایت SID، تاریخ مراجعه: بهمن ۱۳۹۱).
۳. چاپلین و کمدی انسانی، رکن الدین خسروی، رهپویه هنر، دفتر دوم، تهران، بهار ۱۳۷۵.
۴. شکل دیگر خندیدن، فاطمه کرد چگینی، کتاب طنز(۵)، چ اول، تهران، سوره مهر، ۱۳۸۸.
۵. طنز و ادبیات متعهد و معناگرای معاصر، میرجلیل اکرمی و محمدرضا عابدی، فصلنامه سورستان، س ۱، ش ۱، تابستان ۱۳۸۷.
۶. نقیضه در گستره نظریه های ادبی معاصر، قدرت قاسمی پور، فصلنامه نقد ادبی، س ۲، ش ۶، تابستان ۱۳۸۸، صص ۱۴۷-۱۲۷.
۷. نقیضه و پارودی، غلامعلی فلاح قهرودی و صابری تبریزی، پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی، دوره جدید ش ۴، پیاپی ۸، زمستان ۱۳۸۹، صص ۳۲-۱۷.